

مشارکت سیاسی از منظر قرآن کریم

محمدقاسم محسنی*

چکیده

از آنجایی که مردم مسلمان بر طبق دستورات قرآن کریم، وظیفه امر به معروف و نهی از منکر و درخواست اقامه قسط و عدل در جامعه را دارد و نسبت به آنچه در جامعه اسلامی می‌گذرد بی‌تفاوت نیست، این وظایف و امثال آن‌ها مقتضی این است که حق چنین دخالت‌هایی را در تعیین نوع نظام سیاسی و گزینش کارگزاران آن نظام داشته باشد، مشارکت مردم مسلمان، تأمین‌کننده قدرت و ضامن رسیدن به اهداف نظام سیاسی اسلام است. چراکه حق آزادی تعیین سرنوشت شرط تعیین‌شده هدف خلقت است. لذا در قرآن شیوه‌های برای مشارکت سیاسی مطرح شده است که در این نوشته به آن‌ها پرداخته می‌شود.

واژگان کلیدی: مشارکت، مشارکت سیاسی، قرآن

* دانشجوی دوره دکتری علوم سیاسی. (ایمیل: qasemmohseni@gmail.com)

از نقش‌های تأثیرگذار نخبگان در تغییر رفتار سیاسی مشارکت سیاسی است. (وربا، ۱۳۵۴: ۱۴)

مشارکت سیاسی موضوعی است که در تئوری‌های مربوط به حاکمیت مورد بحث قرار می‌گیرد. این موضوع در پادشاهی‌های مطلقه به‌طور کلی منتفی است. زیرا حضور مردم در ساختار حکومت جایگاهی ندارد. اما اگر در دیگر حکومت‌ها، مشارکت سیاسی، نحوه و نوع و میزان حضور مردم را در برپایی حکومت و استمرار آن به‌عنوان منشأ مشروعیت حکومت‌ها به‌عنوان یک اصل مطرح است. مشارکت سیاسی فرایندی است که در آن افراد در درون نظام سیاسی خواست‌های خود را از نظام سیاسی به نمایش می‌گذارد، با معیارهای مشخص به درون نظام سیاسی جذب می‌شوند و همچنین از تصمیمات دولت حمایت یا بدان اعتراض می‌کنند.

در قرآن و سنت مسلمانان به ایفای وظایفی خاصی در صحنه اجتماع مکلف شده است. امام علی (ع) پذیرش حکومت از جانب خویش را، بر مبنای دو اصل واجب می‌داند که یکی اصل حضور و بیعت جمهور مردم و دیگری، تعهد الهی و تکلیف شرعی عالمان دین. آن حضرت می‌فرماید: «لَوْلَا حُضُورُ الْحَاضِرِ، وَ قِيَامُ الْحُجَّةِ بِهِ وَ جُودُ النَّاصِرِ، وَ مَا أَخَذَ اللَّهُ عَلَى الْعُلَمَاءِ أَنْ لَا يُقَارُوا عَلَى كَظْمِ ظَالِمٍ، وَ لَا سَعْبِ مَظْلُومٍ، لَأَلْقَيْتُ حَبْلَهَا عَلَى غَارِبِهَا» (نهج البلاغه، خطبه ۳) اگر آن اجتماع عظیم نبود و اگر تمام شدن حجت و بسته شدن راه عذر و جود نداشت، اگر پیمان خداوند از علما نبود که در مقابل شکم‌بارگی ستمگران و گرسنگی ستمدیدگان ساکت نمانند. افسار خلافت را به روی شانه‌اش می‌انداختم و مانند روز اول کنار می‌نشستم.

مفهوم شناسی

مشارکت سیاسی هر عمل داوطلبانه موافق یا ناموافق، سازمان‌یافته یا بدون سازمان، دوره‌ای یا مستمر، شامل به‌کارگیری روش‌های مشروع و یا نامشروع برای تأثیر و انتخاب سیاست‌های عمومی، اداره امور عمومی، انتخاب رهبران سیاسی در هر سطحی از حکومت محلی یا ملی هست. (فیرحی، ۱۳۷۷: ۳۸) برخی از پژوهش‌گران، این مفهوم را در دایره رقابت و نفوذ، محدود می‌نمایند، عده‌ای آن را فراتر از نهادهای رسمی دولت بیان می‌کنند.

بعضی از پژوهش‌گران مشارکت سیاسی را به دو قسم فعال و منفعل تقسیم کرده‌اند؛ اما از آنجایی که مشارکت عمدتاً در قالب رقابت و نفوذ ظهور می‌یابد، تمرکز عمده روی مشارکت فعال می‌باشد. (Milbrath، ۱۹۷۷: ۳ و ۲) تعاریف مختلف مشارکت سیاست بیانگر عدم اجماع

نظر در مورد تعریف، شاخص سیاسی است، اما در مجموع می‌توان گفت، مشارکت سیاسی، مجموعه‌ای از فعالیت‌ها و اعمال شهروندان برای اعمال نفوذ بر حکومت یا حمایت از نظام یا تغییر در کارگزاران آن است.

مبانی قرآنی مشارکت سیاسی

۱- خلافت عامه: آیات متعددی از قرآن کریم به مشارکت سیاسی اشاره دارند: یکی از این اسناد قرآنی آیه سی‌ام سوره بقره است: که به اصل خلافت عامه انسان اشاره می‌کند، آنجا که خداوند می‌فرماید: «إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً» (بقره، ۳۰) در تفسیر این آیه آمده است که منظور از خلیفه الهی، تنها حضرت آدم نیست بلکه همه انسان‌هاست. (طباطبایی، ج ۱: ۱۴۸) بدین ترتیب خلیفه‌الله در زمین، یعنی جانشین خدا در همه این امور است. از این رو، خلافت انسان در قرآن، در حقیقت شالوده حکومت انسان بر هستی است و حکومت میان مردم، همه از ریشه همان خلافت سرچشمه می‌گیرد... حکومت انسان بر خود هم، بر این پایه درست می‌شود؛ چنان‌که حکومت مردم بر مردم، یعنی «حق حاکمیت ملی» نیز به عنوان خلیفه‌الله بودن انسان‌ها می‌تواند مشروع و قانونی باشد (صدر، ۱۳۵۹: ۱۰) با تفسیری که از «خلافت عامه انسان» شد، مشارکت مردمی و سیاسی در عالی‌ترین سطوح تحقق می‌یابد و حق حاکمیت ملی مشروعیت پیدا نموده و این خلافت الهی طبق دو قاعده «شوری» و «حق حاکمیت» اعمال می‌شود.

۲- شوری: اگر شوری در اسلام مشروعیت داشته باشد، پذیرش مشارکت افراد صاحب‌نظر و متخصص در امور مختلف است. مهم‌ترین سند قرآنی در باب شوری، آیه «و شاورهم فی الأمر» (آل عمران، ۱۵۹) و آیه «و أمرهم شوری بینهم» (شوری، ۳۸) می‌باشد. در آیه ۱۵۹ سوره آل عمران ضمیر «هم» می‌رساند که امر مشورت با همه مردم است.

۳- مسئولیت انسان: اسلام همه انسان‌ها را در برابر یکدیگر و نیز در برابر حاکمیت مسئول می‌داند «كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِينَةٌ» (مدثر، ۳۸) هرکسی در گرو اعمال خویش‌اند.

۴- حقوق عمومی و تساوی مردم: اسلام به گروه خاصی تعلق ندارد بلکه آموزه‌هایش همگانی است و همه افراد بشر را مخاطب قرار می‌دهد: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَ جَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ» (حجرات، ۱۳) ای مردم، ما شمارا ملت ملت و قبیله قبیله گرداندیم تا با یکدیگر شناسایی متقابل حاصل نمایید. در حقیقت

ارجمندترین شما نزد خداوند پرهیزگارترین شماست.

سطوح مشارکت سیاسی

با توجه به سطوح مشارکت سیاسی، تعریف شده، این سطوح را دریا زده مورد برشمرده است که عبارت اند از: ۱- رأی دادن ۲- کسب اطلاعات سیاسی. ۳- بحث در مورد موضوعات و مسائل سیاسی؛ ۴- شرکت در جلسات و محافل سیاسی؛ ۵- کمک مالی به فعالیت های سیاسی؛ ۶- گفتگو و مذاکره با نمایندگان؛ ۷- عضویت در احزاب سیاسی؛ ۸- شرکت جستن در ثبت نام افراد و تبلیغ برای احزاب سیاسی؛ ۹- نگاشتن مقالات و ارائه سخنرانی های سیاسی؛ ۱۰- شرکت در رقابت ها و مبارزات سیاسی. (merton: ۱۹۹۴: ۲۵۲)

ضرورت مشارکت سیاسی

مشارکت سیاسی یک نوع رفتار سیاسی است که ممکن است به دو صورت انجام شود:

۱- رفتار سیاسی در درون نظام سیاسی؛ یعنی با پذیرش چارچوب و ساختار کلی قدرت انجام می گیرد. در این صورت عاملان و کنشگران، مشروعیت نظام سیاسی را پذیرفته اند و در چارچوب قواعد، ساختارها و نهادهای نظام، سعی در تأمین و تحقق اهداف، آمال و منافع خوددارند. نمونه عینی و شاخص عمده چنین الگویی رفتاری را می توان در رفتارهای شامل رأی دادن، فعالیت تشکیلاتی یا فردی برای نامزدهای انتخاباتی و شرکت در انتخابات و عضویت در احزاب و سازمان های سیاسی رسمی و برگزاری راهپیمایی ها، تظاهرات و اجتماعات می باشد، این گونه رفتارها می تواند، در قالب توده ای (غیر تشکیلاتی و غیرمنسجم) و حزبی و گروهی (تشکیلاتی و منسجم) ظاهر شوند.

۲- رفتار سیاسی خارج از نظام سیاسی؛ این نوع رفتار زمانی روی می دهد که عاملان و کنشگران سیاسی به علل و عواملی مختلف، عمل سیاسی به مفهوم یادشده یعنی مشارکت در درون نظام را امکان پذیر نمی بینند و در نتیجه تمام تلاش و کوشش خود را مصروف و متوجه براندازی و ازهم پاشیدن نظم و نظام سیاسی مستقر و ساختار موجود قدرت می نمایند. این گونه از رفتار سیاسی را می توان به عنوان رفتار انقلابی یادکرد. طیف وسیع و گسترده ای از اقدامات و فعالیت های سیاسی شامل اعتراضات شبه انقلابی مانند: عدم همکاری با دولت، خطابه و سخنرانی مخالفت آمیز، نظارت و شرکت در احزاب سیاسی و سازمان های مخفی و مبارزه مسلحانه می باشد. بنابراین رفتار سیاسی لزوماً خصومت آمیز و خشونت بار نیست، خشونت می تواند مرحله ای

از رفتار سیاسی باشد. (لطیف پور، ۱۳۷۹: ۲۸)

هاناآرنت در ارتباط با رفتار خشونت‌آمیز می‌گوید: «خشونت به سبب ماهیت ابزاری آن، تا جایی معقول است، که برای رسیدن به هدفی که باید استفاده از خشونت را توجیه کند؛ مؤثر باشد. چون، هنگامی که کاری را شروع می‌کنیم؛ هرگز به یقین نتیجه نهایی آن را نمی‌دانیم؛ بنابراین خشونت تنها به شرطی معقول است که در تعقیب هدف‌های کوتاه‌مدت به کار رود. تاکتیک‌های اعمال خشونت و اخلاص‌گری، ممکن است برای رسیدن به هدف‌های کوتاه‌مدت سودمند باشد؛ بنابراین احتمال مؤثر افتادن خشونت برای دستیابی به اهداف درازمدت مانند ایجاد دگرگونی بنیانی، ضعیف‌تر است.» (آرنت، ۱۳۵۹: ۱۱۵)

در بحث رفتار سیاسی خشونت‌آمیز همواره این سؤال مطرح است، که ریشه خشونت سیاسی در چیست؟ و چه عواملی موجب پیدایش رفتار خشونت‌آمیز سیاسی می‌گردند؟ در پاسخ به این سؤال‌ها دو نظریه وجود دارد. یکی، نظریه روان‌شناسانه است، که منشأ بروز خشونت را علل روان‌شناختی در افراد و انگیزه درونی رفتار افراد و گروه‌ها می‌داند و دیگری، نظریه ساختارگرایان که منشأ بروز خشونت را ساختار نظام سیاسی و میزان نهادینگی آن می‌داند.

هانتینگتون نیز در دفاع از نظریه ساختارگرایی، عامل اصلی گرایش به خشونت سیاسی را در ساختار سیاسی جامعه می‌یابد و بر عدم تعادل تقاضاهای مشارکت سیاسی و نهادمندی ساختار حکومتی تأکید دارد. او می‌گوید: «گروه‌های نوپدید برای رسیدن به اهدافشان، به جستجوی روش‌ها و وسایل مشارکت می‌پردازند و اگر این راه‌ها و وسایل در دسترس آن‌ها نباشد؛ دچار احساس ناکامی می‌گردند و درصدد آن برمی‌آیند؛ که درخواست‌های خود را از نظام سیاسی، با خشونت، زور و توسل به وسایل نامشروع دیگر مطالبه کنند. نظام سیاسی یا از خودسازگاری نشان می‌دهد و ابزار لازم برای برآورده ساختن درخواست‌های آنان را فراهم می‌کند و یا آنکه درصدد سرکوب آن‌ها برمی‌آید و در نتیجه، آن‌ها نیز به شیوه براندازی و انقلابی روی می‌آورند.» (هانتینگتون، ۱۳۹۲: ۵۶) گرایش به خشونت در گروه‌ها و احزاب، گاهی به شکل غیرعلنی و مسلحانه ظهور می‌کند.

موریس دو ورژه در این رابطه معتقد است: «هنگامی که صنف مخالف وسایل دیگری ندارد و از هر امکان دیگری برای بیان عقاید خود محروم است و یا بیان قانونی آن را مؤثر نمی‌داند، پیکارهای سیاسی، شکل نظامی به خود می‌گیرند. در این هنگام، مقاومت مسلحانه در برابر قدرت در دو مرحله جریان می‌یابد؛ مرحله مقاومت زیرزمینی و مرحله طغیان آشکار.» (دو ورژه، ۱۳۶۹: ۵۱)

(۲۰۹)

چالمرزجانسون نیز بن بست مشارکت را از راه قانونی و عدم امکان طرح آن‌ها از کانال نهادهای مشارکت آشکار، عامل بروز خشونت سیاسی می‌داند. او در کتاب انقلاب و نظام اجتماعی می‌گوید: «خشونت اجتماعی پاسخی مناسب به مقاومت سرسختانه است. این خشونت به این خاطر رخ می‌دهد؛ که راه‌های شناخته‌شده تغییر بدون خشونت، به دست نخبگان حاکم مسدود شده است.» (Johnson، ۱۹۶۶: ۶)

عوامل مؤثر بر مشارکت سیاسی

عواملی مختلفی بر مشارکت افراد اثر می‌گذارد که مهم‌ترین آن‌ها انگیزه است؛ انگیزه علت رفتار فرد به شمار می‌آید که موجب فعالیت می‌گردد و جهت کلی رفتار فرد را تعیین می‌کند. انواع انگیزه می‌تواند این موارد باشد. (کارخانه‌ای، ۱۳۸۵، ۳)

۱- انگیزه‌های فیزیولوژیک: که معمولاً برای رفع و ارضای نیازهای بیولوژیک مثل گرسنگی ایجاد می‌شود.

۲- انگیزه‌های سیاسی اجتماعی: که معمولاً برای پذیرش فرد در اجتماع جهت کسب منزلت و مقام به کار بسته می‌شود.

۳- انگیزه‌های روانی: تمایلات و انگیزه‌های شخصی و روحیات خاص علت ایجاد و انجام رفتار خاص می‌شود. انگیزه‌ها و عملکردهای نخبگان در نوع دوم و سوم جا می‌گیرند.

به نظر اسلمسر اهداف مشارکت سیاسی اجتماعی به صورت‌های ذیل تجلی می‌یابد:

۱- رفتاری که هدف از آن خارج شدن از وضعیت موجود و بازتعریف وضعیت مطلوب است.

۲- رفتاری که هدف از آن تغییر کارگزاران یا سازمان‌های اجتماعی است.

۳- رفتاری که هدف از آن تغییر در هنجارهای اجتماعی است مثل درخواست اصلاح نظام آموزشی.

۴- رفتاری که هدف آن تغییر ارزش‌ها است و بنای آن بر بازسازی ارزش‌ها است. مثل جنبش‌های انقلابی. (اسلمسر، ۱۳۸۰: ۱۲)

عوامل رفتار سیاسی افراد یک جامعه را می‌توان در مقوله‌های ذیل دسته‌بندی نمود:

(۱) نیازها و انگیزه‌های شخصی.

(۲) روند جامعه‌پذیری و فرهنگ‌پذیری فرد از محیط زندگی.

۳) برخوردها و عکس‌العمل‌های تشویقی یا تنبیهی رفتار فرد در مواجهه با نهادهای سیاسی - اجتماعی.

یکی از نویسندگان در توضیح متغیرهای فوق، آن‌ها را به دودسته عوامل شخصیتی و عوامل محیطی تقسیم کرده است. طبق این تقسیم، عوامل شخصیتی شامل پنج دسته هستند که عبارت‌اند از: عوامل موروثی، نیازها و خواسته‌های شخصی، نیازها و سائقه‌های طبیعی و روانی، عقاید و گرایش‌ها یا رهیافت‌ها (بشیریه، ۱۳۸۴: ۱۳۹) عوامل شخصیتی تأثیر مستقیم در رفتار سیاسی دارند. اما عوامل محیطی، برعکس به‌طور غیرمستقیم و از طریق شخصیت فرد اثر می‌گذارد. عوامل محیطی به تدریج و باگذشت زمان از طریق شکل دادن به شخصیت و نظام اعتقادی فعالان سیاسی ایفای نقش می‌کنند. یکی از عوامل مهم اختلال رفتاری و بیماری‌های روانی ضعف اعتقاد و ایمان است. (همان، ص ۳)

در این تحلیل هیچ‌کدام از عوامل محیطی یا شخصیتی - علی‌رغم تأکید بیشتر به عوامل دسته دوم - استقلال ندارند؛ درعین‌حال که محیط در رفتار سیاسی فرد تأثیر می‌گذارد، عوامل شخصیتی نیز تعیین‌کنندگی قاطع ندارند، بلکه در محدوده شرایط و امکانات محیطی شکل‌گرفته در چارچوب ساختار آداب و رسوم فرهنگ و اجتماع جهت می‌یابند. (فیرحی، ۱۳۷۷: ۵۰)

شیوه‌های مشارکت سیاسی در قرآن

شیوه‌های و مجاری گوناگونی برای مشارکت سیاسی وجود دارد که با توجه رهنمودهای قرآنی مهم‌ترین آن در موارد زیر قابل بررسی است:

۱- مشارکت سیاسی در قالب بیعت

بیعت یکی از مهم‌ترین مفاهیم سیاسی بوده است که افراد جامعه را به رهبر آن متصل کرده و حدود و قیود تعهدات آن‌ها را نسبت به یکدیگر معین می‌نموده و نوعی مشارکت سیاسی به حساب می‌آید. بیعت این است که بیعت‌کننده خود را در اختیار بیعت‌شونده قرار می‌دهد و بیعت‌شونده سعی می‌کند امور او را به صورت صحیح تدبیر کند. گرچه بیعت دست به دست هم دادن بر ایجاب بیع و معامله است، ولی به معنای دست به هم دادن برای اطاعت نیز به کار می‌رود. (خلیل بن احمد، ۱۴۰۹ق: ۲۳۴) بیعت به‌طور جدی و عمومی، در عقبه اول و دوم مطرح گردید و پس از آن نیز از سنت بیعت، برای هر تازه‌مسلمانی استفاده می‌شد. بیعت به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های مشارکت سیاسی از شرایط آن آزادانه بودن آن است. آیاتی از قرآن که واژه

«بیعت» در آن‌ها تصریح گردیده عبارت است آیه: «لَقَدْ رَضِيَ اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ إِذْ يُبَايِعُونَكَ تَحْتَ الشَّجَرَةِ فَعَلِمَ مَا فِي قُلُوبِهِمْ فَأَنْزَلَ السَّكِينَةَ عَلَيْهِمْ وَأَثَابَهُمْ فَتْحًا قَرِيبًا» (فتح: ۱۸) در تفسیر قمی، ذیل این آیه آمده است: این آیه اشاره به «بیعت رضوان» دارد که رسول خدا(ص) با مسلمانان شرط کردند پس از این بیعت، هرگز کارهای رسول خدا(ص) را انکار نکنند و در هیچ‌یک از اوامر حضرت با ایشان مخالفت نوزند. خداوند پس از «بیعت رضوان»، این آیه را نازل کرد: «إِنَّ الَّذِينَ يُبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ فَمَنْ نَكَثَ فَإِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَىٰ نَفْسِهِ وَمَنْ أَوْفَىٰ بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهِ اللَّهُ فَمُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا» (فتح، ۱۰) این آیه بیعت با رسول خدا(ص) را بسیار بزرگ و برابر با بیعت با خداوند دانسته است. همچنین دلالت بر این دارد که همه منافع بیعت با رسول خدا(ص) متوجه مؤمنان بیعت‌کننده است و به همین سبب، خسارات ناشی از نقض آن‌هم متوجه خود آن‌ها است، و نیز اشاره دارد که هرکس به پیمان خود با خدا وفادار بماند خداوند به زودی به او پاداش بزرگی خواهد داد. ولی هیچ دلالتی بر مشروط و مقید کردن ولایت رسول خدا(ص) به بیعت مسلمانان با ایشان و مشروط کردن وجوب اطاعت از رسول به این بیعت ندارد و جمله «فَمَنْ نَكَثَ فَإِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَىٰ نَفْسِهِ» بیانگر این است که شکستن بیعت مستلزم خسران برای ناقض عهد است که معنایش وجوب عمل به بیعت و حرمت نقض آن است. (قمی، ۱۳۸۶، ج ۲، ۳۱۵)

آیه دیگر: «یا ایها النبی اذا جاءک المؤمنات یبایعنک علی ان لایشرکن و...» (ممتحنه، ۱۲) این آیه دلالت دارد بر اینکه رسول خدا(ص) موظف به قبول بیعت زنان بیعت‌کننده در زمانی است که برای بیعت می‌آیند. اما اینکه گرفتن بیعت از آن‌ها به خودی خود، واجب است یا اگر از ایشان بیعت گرفته نشود ولایت رسول خدا(ص) بر مسلمین فعلیت ندارد و یا وجوب اطاعت زنان و سایر مسلمانان مشروط به بیعت است یا نه، از آیه برداشت نمی‌شود. حاصل بحث اینکه از آیات وارد شده چنین استفاده می‌شود که وفای به بیعت لازم بوده و شکستن چنین بیعتی جایز نیست. (قمی، ۱۳۸۶، ۱۶-۴۳)

۲- مشارکت مردم در قالب نظارت

نظارت در جامعه اسلامی بر خواسته از مسئولیت آحاد جامعه در قبال یکدیگر است. جمله معروفی از رسول گرامی اسلام (ص) «کلکم راع و کلکم مسئول عن رعیت» (مجلسی، ۱۳۸۶: ۳۸) با این مقوله پیوند وثیق دارد. مردم در نظام اجتماعی خویش اگر به این باور برسند که نظریاتشان

در جامعه مؤثر است؛ با تمام توان از حکومت خویش، مراقبت خواهند نمود.

انواع نظارت: نظارت در مرحله کسب قدرت: به دو صورت انجام می‌شود؛ یکی از طریق قرار دادن شرایطی برای کارگزاران، به‌منظور این‌که هر فردی نتواند به قدرت سیاسی راه پیدا نماید و دوم ساز کاری که منجر به انتخاب کارگزاران می‌شود. نظارت در مرحله اجرا: یکی از مواردی که اسلام توجه ویژه‌ای به آن نموده است، نظارت بر عملکرد حاکمان در مرحله اجرای احکام و قوانین است. آموزه‌های در شریعت وجود دارد که بر نظارت بیرونی بر قدرت سیاسی در این مرحله قرار دارند. نظارت در مرحله توزیع: در این مرحله، نظریه تفکیک قوا به‌عنوان مهم‌ترین مکانیسم نظارتی به شمار می‌رود. «شاید مهم‌ترین دلیلی که منتسکیو را بر آن داشت که نظریه تفکیک قوا را ارائه دهد این بود که بشر در طبیعت و نهاد خود گرایش به سلطه و استبداد دارد و اگر قوای سه‌گانه در اختیار یک شخص و یا یک گروه قرار گیرد، زمینه برای استبداد و سوءاستفاده از قدرت فراهم می‌گردد.» (یزدی، ۱۳۷۹، ج ۲: ۱۳۰)

نظارت در مرحله گردش قدرت: نظارت در این مرحله که در قالب استیضاح، عزل و برکناری از قدرت خودنمایی می‌کند، ضمانتی برای نظارت در سه مرحله قبل است زیرا در صورت عدم قبول مقوله نظارت از سوی حاکمان، باید از منصب خود عزل شده و فردی دیگری جایگزین آن شود. نظارت در این مرحله در دو مورد صورت می‌گیرد؛ یکی در مورد حاکم و دیگری در مورد کارگزاران. (مبلغ، ۱۳۹۴: ۲۵۹)

۳- مشارکت مردم در قالب انتخابات

انتخابات یکی از روش‌های مشارکت مردم در حکومت است، ابزاری است که به‌وسیله آن می‌توان اراده شهروندان را در شکل‌گیری نهادهای سیاسی و تعیین متصدیان اعمال اقتدار سیاسی دخالت داد، مردم هنگام انتخابات عمومی در پای صندوق‌های رأی حضور می‌یابند و به نامزد دلخواه خود رأی می‌دهند درست است که حاکمیت مطلق بر جهان از آن خداست و هم او انسان را بر سرنوشت اجتماعی و سیاسی خویش حاکم ساخته است. انتخابات مهم‌ترین شیوه‌های مشارکت در عصر حاضر و یکی از مکانیسم‌های مشارکت سیاسی در اسلام است. انتخابات گاهی به‌صورت مستقیم است که منتخبین، مسئولیت‌های اجرایی و تقنینی را به عهده می‌گیرند و گاهی نیز منتخبین دست به انتخاب می‌زنند و انتخاب شهروندان، مقدمه برای آن انتخاب به‌حساب می‌آیند.

مهم‌ترین دلیل شرکت در انتخابات از منظر قرآن آیه «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا

بِأَنْفُسِهِمْ» (رعد، ۱۱) خداوند در این آیه تأکید می‌کند که سرنوشت هر قومی را به دست خودشان سپرده است و اگر می‌خواهند سرنوشت خوبی داشته باشند باید خودشان دست به کار شوند. پیامبر (ص) فرموده است «کلکم راعٍ، وَ کلکم مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ» (مجلسی ۱۳۷۵، ج ۷۲: ۳۸) به‌راستی که همه شما حافظ و سرپرستید و همه شما جوابگوی مردم زیردست خود هستید.

شکل و نحوه سهم شدن در این تغییر در زمان‌ها و شرایط مختلف، متفاوت است و هر فرد با تحقیق و از روی علم، بهترین و مؤثرترین نحوه تغییر و بهبود امور جامعه را برمی‌گزیند، گاهی مؤثرترین روش نامزد شدن در انتخابات است، گاهی رأی دادن و مشارکت در انتخابات و گاهی نیز رأی ندادن و مشارکت نکردن. که فرد باید با اطلاعات خود و شرایط موجود بهترین تصمیم را بگیرد.

۴- مشارکت در قالب فریضه امر به معروف و نهی از منکر

یکی از شیوه‌های مشارکت مردم در حکومت اسلامی مشارکت آنان از طریق نظارت همگانی است. مردم با دعوت یکدیگر به اعمال نیک، حاکمیت ارزش‌های الهی و روح تعاون و همکاری در جامعه را زنده نگه می‌دارند. امر به معروف و نهی از منکر، شایسته‌ترین و کارآمدترین شیوه اصلاحات سیاسی اجتماعی است، عصاره دعوت و تلاش همه مصلحان، به‌ویژه انبیاء و ائمه (ع) احیای معروف‌ها و سرکوب منکرات بوده است. (حاجی صادقی، ۱۳۸۳: ۲۹۸)

امر به معروف و نهی از منکر اساسی‌ترین مانع سلطه طاغوت‌ها و سد محکم در برابر ظلم و تعدی اشرار است. قرآن می‌فرماید: «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ تَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ» (آل عمران، ۱۰۱) این آیات مسلمانان را به اصلاح، نظارت و مشارکت بر نظام سیاسی و برنامه‌ها، فرامی‌خواند. امر به معروف و نهی از منکر به‌عنوان روشی واقعی تغییر و اصلاح و برخورد با حالات انحرافی که بر جامعه دینی و دلت اسلامی عارض می‌شود، رسالت همگانی است که به‌خوبی زمینه‌های مشارکت و رقابت سیاسی افراد و نیروها را فراهم می‌آورد. (سجادی، ۱۳۸۲: ۹۳) مسلمانان بر اساس وظیفه امر به معروف و نهی از منکر، دارای اراده آزاد و حق انتخاب می‌باشند و در قبال خوبی و بدی زندگی اجتماعی و رفتار افراد نسبت به همدیگر مسئولیت دارند. چون در حقوق اسلامی رابطه مردم با یکدیگر و مناسبات اجتماعی به‌گونه‌ای است که سرنوشت هرکس با سرنوشت دیگران گره‌خورده است. (آراسته، ۱۳۸۷: ۱۶۵)

ترک امر به معروف و نهی از منکر بستر تغییرات در جامعه را فراهم می‌کند؛ پیامبر اکرم (ص)

می فرماید: «لَتَأْمُرُنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَلَتَنْهَيْنَّ عَنِ الْمُنْكَرِ أَوْ لِيُستَعْمَلَنَّ عَلَيْكُمْ شِرَارُكُمْ فَيَدْعُو خِيَارُكُمْ فَلَا يُسْتَجَابُ لَهُمْ» (مجلسی، ۱۳۸۶، ج ۹۰: ۳۷۸) باید امر به معروف و نهی از منکر را میان خودتان اقامه کنید، رواج دهید و نسبت به آن پایبند باشید. اگر نکرديد، خدا اشرار را بر شما مسلط می کند. برگزیدگان شایسته از رهبری جامعه کنار می رود فتنه جامعه را می گیرد. امام علی (ع) می فرماید: «لَتَأْمُرُنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَلَتَنْهَيْنَّ عَنِ الْمُنْكَرِ أَوْ لِيُفْتَحَنَّ اللَّهُ عَلَيْكُمْ فَتَنَةٌ تَتْرُكُ الْعَاقِلَ مِنْكُمْ حَيْرَانَ ثُمَّ لِيُسَلِّطَنَّ اللَّهُ عَلَيْكُمْ شِرَارَكُمْ فَيَدْعُو خِيَارَكُمْ فَلَا يُسْتَجَابُ لَهُمْ ثُمَّ مِنْ وِرَاءِ ذَلِكَ عَذَابٌ أَلِيمٌ» (ورام، ۱۶۸، ق ۲: ۸۶) باید امر به معروف و نهی از منکر کنید، وگرنه به فتنه و بلائی مبتلا می شوید که عاقلان از شما در آن حیران و سرگردان می مانند، سپس خدا بدان شمارا بر نیکانتان مسلط می کند. اگر چنین شود، هر چه نیکان دعا کنند دعایشان مستجاب نمی شود. امر به معروف و نهی از منکر از اموری است که باعث سبب رفتار متعادل در نظام حکومتی جامعه اسلامی می شود، زیرا دین اسلام دعوت به رفتار درست را جزء وظیفه همه افراد و گروهها در جامعه می داند.

امام علی (ع) یکی از علت های هلاکت امت های پیشین را ترک امر به معروف و نهی از منکر قلمداد می کند خداوند سبحان، امت های پیشین را جز به خاطر ترک امر به معروف و نهی از منکر نفرین نکرد. (همان، ج ۱۴: ۴۷۵) همچنین حضرت می فرماید: امت های پیش از زمانی هلاک شدند که مرتکب گناه شدند و نخبگان شان، آن ها را از آن بازداشتند و زمانی که آن ها غرق معاصی شدند و نخبگان شان در قبال آن سکوت کردند، عذاب های الهی بر ایشان نازل شد. (همان، ج ۱۴: ۴۷۵) امام باقر (ع) نیز انجام فریضه امر به معروف و ترک از منکر را، به ویژه از سوی نخبگان، باعث برپایی واجبات، امنیت اعتقادی، رونق و سلامت کسب و کار، اعاده حقوق، آبادی زمین و انتقام گرفتن از دشمنان و سامان یافتن امور قلمداد می کند. (کلینی، ج ۵: ۵۶) در امر به معروف و نهی از منکر، سه حوزه قابل تفکیک است:

الف: امر به معروف و نهی از منکر، وظیفه حکومت: امر به معروف و نهی از منکر که وظیفه حکومت نسبت به مردم است: «وَلَتَكُنَّ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (آل عمران، ۱۰۴) و باید که از شما گروهی باشند که دعوت به خیر می کنند و امر به معروف و نهی از منکر می کنند، و ایشان اند که رستگارانند. که گروهها و تشکیلات دولتی موظف به این کار می باشند. در گذشته در حکومتها به این نهاد محتسب می گفتند.

ب: امر به معروف و نهی از منکر عمومی: عموم مؤمنین این وظیفه را نسبت به همدیگر دارند و

همه مؤمنان باید امر و ناهی باشند «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ» (توبه، ۷۱) مردان و زنان باایمان، ولی (و یار و یاور) یکدیگرند؛ امر به معروف، و نهی از منکر می‌کنند. این آیه اطلاق دارد که مردم نسبت به همدیگر وظیفه دارند.

ج: امر به معروف و نهی از منکر مردم از حاکمان: امام علی (ع) می‌فرماید: «لا تتركوا الامر بالمعروف و نهی عن المنکر فیولی علیکم شرارکم ثم تدعون فلا یستجاب لکم» (نهج البلاغه، نامه ۴۷) پس امر به معروف و نهی از منکر وظیفه مردم نسبت به حکومت است، گرچه حق آن‌ها هم است. در همین راستا نصیحت ائمه المسلمین، یکی از عناوینی سیاسی، اجتماعی، اسلام است.

۵- مشارکت در قالب رقابت سیاسی

با توجه به اینکه جامعه اسلامی یک جامعه مشارکت پذیر بوده و فرهنگ مشارکتی در آن توصیه شده است و از آنجاکه سلیقه‌های افراد در جامعه متفاوت است، رقابت در جامعه یک امر طبیعی است؛ زیرا جامعه هیچ‌وقت به وحدت، به این معنا که هیچ اختلاف و تنوع سلیقه‌ای در آن وجود نداشته باشد، نخواهد رسید. ماهیت جهان ماده، تنوع و اختلاف است و بشر به‌عنوان بخشی از این طبیعت، همان‌طور که در ویژگی‌ها تا جایی که پسندیده است که منجر به ظلم و بی‌عدالتی در جامعه نگردد و روابط بر اساس استخدام طرفینی تنظیم شود؛ اما زمانی که روابط ظالمانه‌ای بر این روند حاکم شود و اختلاف‌ها موجب ستم و بی‌عدالتی یا بی‌نظمی در جامعه گردد، موجب ویرانی و تباهی جامعه خواهد بود.

از این رو خداوند پیامبرانی را با قوانین عادلانه فرستاد تا زندگی افراد را قانونمند نماید. «كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ فِي مَا اخْتَلَفُوا فِيهِ» (بقره، ۲۱۳) مردم (در آغاز) یک دسته بودند؛ (و تضادی در میان آن‌ها وجود نداشت. به تدریج جوامع و طبقات پدید آمد و اختلافات و تضادهایی در میان آن‌ها پیدا شد، در این حال) خداوند، پیامبران را برانگیخت؛ تا مردم را بشارت و بیم دهند و کتاب آسمانی، که به‌سوی حق دعوت می‌کرد، با آن‌ها نازل نمود؛ تا در میان مردم، در آنچه اختلاف داشتند، داوری کند. اختلاف در جامعه اسلامی ممکن است ناشی از چند امر باشد:

۱- اختلاف در اجتهاد: و این‌که نظر من یا گروهی که من به آن تعلق دارم نسبت به بقیه به صواب نزدیک‌تر است.

۲- توانایی و ارائه برنامه بهتر و مفیدتر برای جامعه.

۳- اختلاف از سر هوا و هوس و قدرت‌طلبی.

رقابت سیاسی ممکن است در جامعه بر همین اساس سه نوع اختلاف باشد که نوع سوم مورد تأیید اسلام نیست. که این امر به نگرش انسان به قدرت سیاسی مبتنی است. نگرش قرآن به قدرت به‌عنوان یک هدف نگاه نمی‌کند بلکه نگاه ابزاری دارد برای رسیدن به هدف برتر و سعادت انسان در حوزه مادی و معنوی.

نظریه‌های تحلیل رفتار انتخاباتی

حاصل انتخابات شناسی تاکنون کشف و ارائه نظریه‌هایی بوده است که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از: نظریه هویت حزبی، نظریه جامعه‌شناسانه، نظریه انتخاب عقلانی و نظریه ایدئولوژی مسلط.

۱- نظریه هویت حزبی: نظریه هویت حزبی به‌عنوان اولین نظریه رفتار انتخاباتی، مبتنی بر دل‌بستگی روان‌شناختی مردم به احزاب است. در این نظریه رأی‌دهندگان انسان‌هایی هستند که با یک حزب هویت می‌یابند. بنابراین «وابستگی حزبی» مهم‌ترین متغیر تبیین آراء رأی‌دهندگان می‌باشد. محققان مرکز تحقیقاتی و مطالعاتی دانشگاه میشیگان در کتاب رأی‌دهنده آمریکایی (۱۹۶۰) معتقدند، علاقه روانی و عاطفی که بین رأی‌دهندگان و حزب محبوبشان برقرار است، عامل بسیار مهم برای به پیروزی رساندن نامزدهای موردنظر در انتخابات است. اینان در تبیین ایجاد چنین رابطه عاطفی می‌گویند: «این وابستگی عاطفی، اغلب از زمان کودکی و نوجوانی در افراد ایجاد می‌شود و معمولاً از خانواده‌ها به فرزندان منتقل می‌گردد و محیط شغلی و اجتماعی هم در تثبیت این پیوندها مؤثرند». (ایوبی، ۱۳۷۷: ۲۱۸) این نظریه تأکید فراوان بر جامعه‌پذیری سیاسی اولیه دارد، بدین معنا که خانواده ابزار مهمی است که از طریق آن وابستگی‌های سیاسی درست می‌شود و سپس بعدها به‌وسیله عضویت گروهی و تجارب اجتماعی تقویت می‌شود. (Heywood, ۲۰۰۴: ۲۴۲)

بر اساس این نظریه هرچند احزاب جایگاه ویژه‌ای دارند اما تبلیغات انتخاباتی چندان تأثیری در تغییر گرایش‌های مردم ندارد. چراکه مردم قبل از انتخابات دارای علییه‌هایی عاطفی با احزاب موردعلاقه‌شان می‌باشند و لذا هر کاندیدایی که از طرف حزب محبوب معرفی گردد، طرفداران به آن رأی خواهند داد و اساساً خواسته «حزب»، خواسته «رأی‌دهنده» نیز می‌باشد. البته تبلیغات انتخاباتی می‌تواند جهت کسب آراء افرادی که از لحاظ تحصیلات در سطحی پایین‌تر قرار دارند و از نظر سیاسی و اجتماعی هنوز جایگاهی مشخص پیدا نکرده‌اند، مؤثر باشد. مکتب میشیگان معتقد است، وابستگی حزبی در طول زمان، کمتر دستخوش تغییر می‌شود و دارای استمرار و

پیوستگی است و تنها در بحران‌های سیاسی و اجتماعی است که در معرض دگرگونی قرار می‌گیرند. (ایوبی، ۱۳۷۷: ۲۲۰) در این نظریه آرای افراد تا حدود زیادی «موروثی» است؛ یعنی گرایش به یک حزب خاص و محبوب به صورت نسل به نسل در خانواده‌ها جریان دارد و تنها حوادث اجتماعی بزرگ می‌توانند این گرایش را دستخوش تغییر و تحول قرار دهند. مهم‌ترین شاخصه‌های این نظریه عبارت‌اند از: الف) فرد نقش کم‌رنگی دارد. ب) وابستگی حزبی بسیار مؤثر است. ج) تبلیغات انتخاباتی چندان تأثیری ندارد. د) رأی افراد «موروثی» است.

۲- نظریه جامعه‌شناختی: نظریه جامعه‌شناختی بر این مبنا استوار است که آنچه توانسته افراد را تشویق کند تا در انتخابات شرکت کرده و به منتخب موردنظر رأی دهند، شرایط اجتماعی، محیطی، اقتصادی و فرهنگی افراد رأی‌دهنده است. چراکه بین شرایط اجتماعی افراد و گرایش سیاسی آنان، رابطه‌ای مستقیم وجود دارد. بنابراین، اگر بخواهیم تحلیل درست و واقع بینانه از انتخابات موردنظر داشته باشیم، باید شرایط اجتماعی، محیطی، اقتصادی و فرهنگی افراد رأی‌دهنده را مورد مطالعه قرار دهیم (Heywood، ۲۰۰۴: ۲۴۳) در این نظریه فرد به تنهایی معنایی ندارد و انگیزه‌های وی تأثیر چندانی در رفتار انتخاباتی از خود نشان نمی‌دهد، بلکه فرد باید در درون فرهنگ و اجتماع خاص خود مورد مطالعه قرار گیرد. بر این اساس، تبلیغات انتخاباتی نیز چندان تأثیری بر گزینش رأی‌دهندگان ندارد، بلکه رأی‌دهندگان مدت‌ها قبل از شروع تبلیغات انتخاباتی گزینه موردنظر خود را انتخاب کرده‌اند.

«پل لازارسفلد» و گروه تحقیقاتی وی در دانشگاه کلمبیا، با مطالعه میدانی و موردی چند انتخابات به این نتیجه رسیدند که افرادی که دارای موقعیت اجتماعی خاص و حتی در یک منطقه جغرافیایی خاص زندگی می‌کنند، سالیان دراز دارای گرایش ثابت در مسائل سیاسی می‌باشند. وی می‌گوید: «فرد از نظر سیاسی آن‌گونه می‌اندیشد که از نظر اجتماعی در آن بسر می‌برد، عوامل اجتماعی تعیین‌کننده گرایش‌های سیاسی افرادند.» (ایوبی، ۱۳۷۷: ۲۱۰) «آندره زیگفرید» یکی دیگر از طرفداران نظریه جامعه‌شناختی معتقد است که متغیرهایی همچون مذهب، سن، طبقات اجتماعی و امثال آن هستند که تعیین‌کننده رأی افراد و تبلیغات در زمان انتخابات چندان اهمیتی در تغییر نگرش رأی‌دهندگان ندارد و افراد به تناسب موقعیت جغرافیایی و اجتماعی خود تصمیم می‌گیرند. (ایوبی، ۱۳۷۷: ۲۱۰)

بنابراین، هم نظریه جامعه‌شناختی و هم نظریه هویت حزبی بر این پایه استوارند که تبلیغات انتخاباتی چندان نقشی در تغییر گرایش سیاسی افراد ندارند، بلکه شرایط اجتماعی، محیطی (در

نظریه جامعه‌شناختی) و انگیزه‌های فردی و وابستگی حزبی (در نظریه هویت حزبی) در انتخابات گزینه مورد نظر مؤثرند. وجه افتراق این دو نظریه آن است که در نظریه جامعه‌شناختی، شرایط اجتماعی، جغرافیایی و فرهنگی به صورت علی و معلولی در زندگی فرد و رأی وی تأثیرگذار است، درحالی‌که در نظریه هویت حزبی انگیزه‌های فردی و سیاسی که در درون یک حزب محبوب سیاسی تبلور می‌یابد، عامل مهم در تصمیم‌گیری‌ها به شمار می‌رود. مهم‌ترین شاخصه‌های این نظریه عبارت‌اند از: الف) انگیزه‌های فردی هیچ نقشی ندارد. ب) شرایط اجتماعی، محیطی، اقتصادی و فرهنگی تعیین‌کننده است. ج) تبلیغات انتخاباتی تأثیر چندانی ندارد.

۳- نظریه انتخاب عقلانی: نظریه انتخاب عقلانی با انتقادات شدید نسبت به دو نظریه گذشته، درصدد است با پررنگ‌تر کردن نقش «افراد مستقل» رفتار انتخاباتی را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد. کی، وربا، نی و دیگران، از جمله اندیشمندانی هستند که این نظریه را مطرح کردند. اینان معتقدند با توجه به گسترش سطح سواد و آگاهی مردم در جوامع مختلف، رأی‌دهندگان سعی می‌کنند خود را از وابستگی‌هایی که تابه‌حال وجود داشته است، خارج سازند و خود به صورت مستقل تصمیم‌گیری نمایند. در این نظریه، احزاب سیاسی مشروعیت سیاسی خود را از دست داده و بنابراین با بحران‌های جدی حمایتی مواجه شده‌اند. علاوه آنکه، برخلاف دیگر نظریه‌ها، در این نظریه «تبلیغات انتخاباتی» نقشی بسیار تعیین‌کننده، حساس و مؤثر در جذب آرای مردم بازی می‌کند، چراکه افراد به صورت مستقل بوده و گرایش آن‌ها از قبل تعیین شده نیست. رأی‌دهندگان سعی می‌کنند از میان تبلیغات نامزدها، به نامزد و برنامه‌ای رأی دهند که منافع آن‌ها را به خوبی تأمین می‌کند. (Heywood, 2004: ۲۴۳)

مهم‌ترین شاخصه‌های این نظریه عبارت‌اند از: الف) فرد نقشی بسیار مؤثر و تعیین‌کننده دارد. ب) احزاب سیاسی مشروعیت سیاسی خود را از دست داده‌اند. ج) میزان درصد «افراد مستقل» بسیار بالا رفته است. د) تبلیغات انتخاباتی بسیار مؤثر و تعیین‌کننده است. (اشتریان، ۱۳۷۳: ۷۸)

۴- نظریه ایدئولوژی مسلط: نظریه ایدئولوژی مسلط به عنوان نظریه رادیکال رفتار انتخاباتی نگریسته می‌شود. بر اساس این نظریه هرچند افراد خود انتخاب می‌کنند اما انتخاب‌های فردی با کنترل ایدئولوژیکی شکل می‌گیرند. از این منظر شاید این نظریه با نظریه جامعه‌شناختی شباهت داشته باشد، چراکه انتخاب و گزینش، انعکاس موقعیت شخص در سلسله مراتب اجتماعی نگریسته می‌شود. درحالی‌که میان این دو نظریه تفاوت ظریفی وجود دارد. در ایدئولوژی مسلط

انتخاب تحت تأثیر آموزشی است که حکومت می‌دهد و حتی بالاتر تحت تأثیر رسانه‌های گروهی است. برخلاف نظریه جامعه‌شناختی که رسانه‌های گروهی صرفاً اولویت‌های موجود را بیان می‌کنند، نظریه ایدئولوژی مسلط بیان‌گر آن است که رسانه‌ها توانایی دارند جریان ارتباطات سیاسی را هم به وسیله تعیین موضوع بحث و هم به وسیله ساختن اولویت‌ها و حمایت‌ها تحریف کنند و آن را وارونه جلوه دهند. نتیجه این‌که اگر نگرش‌های رأی‌دهندگان با عقاید ایدئولوژی مسلط مطابقت داشت، احزاب قادر نخواهند بود سیاست‌هایی که بیرون از آن ایدئولوژی قرار دارند را بسط دهند. بدین نحو نه تنها چالش توزیع قدرت و منابع در جامعه پیش می‌آید، بلکه فرایند انتخاباتی تمایل به حفظ آن دارد.^۱ مهم‌ترین شاخصه‌های این نظریه عبارت‌اند از: الف) انتخاب فردی تحت کنترل ایدئولوژی مسلط و رسانه‌های گروهی است. ب) تبلیغات رسانه‌های گروهی در تحریف واقعیات بسیار تعیین‌کننده هستند.

نتیجه

مشارکت سیاسی، به لحاظ مفهومی، پدیده‌ای جدید و مختص به نظام‌های سیاسی مدرن است. هرچند به لحاظ مصداقی، نمودهایی از آن را می‌توان در نظام‌های کهن گذشته نیز شناسایی کرد. از این‌رو تحقق عملی یک نظام سیاسی درگرو توانایی آن بر نظام‌مند کردن مشارکت سیاسی است. تقدم احکام قرآنی بر نظرات مردم به معنای نادیده گرفتن جایگاه و نقش مردم در حکومت دینی نیست؛ همچنان که احترام به شئون و خواسته‌های ایشان در چارچوب تعیین‌شده، منافی ارزش نهادن به احکام و قوانین قرآنی نخواهد بود. وقتی به قرآن کریم نگاهی می‌اندازیم و یا به نصوص و مبانی دیگر اسلامی مراجعه می‌کنیم، مشارکت سیاسی، حساس بودن به امور جامعه به‌مثابه یک حق، وظیفه و تکلیف همگانی و مورد اهتمام آموزه‌های قرآن است که در قالب‌های نظیر «مشارکت» «نظارت»، «رقابت»، «امر به معروف و نهی از منکر» و... قابل تبیین است.

منابع

- قرآن کریم.
 (۱) اسلمسر، نیل، تئوری رفتار جمعی، ترجمه رضا دژاکام، تهران؛ نشر مؤسسه یافته‌های نوین، ۱۳۸۰.

- (۲) اشتریان، کیومرث، تحلیلی بر رفتار انتخاباتی نسل‌های اخیر در غرب، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۳۱، فروردین ۱۳۷۳.
- (۳) ایوبی، حجت‌الله، مشارکت سیاسی (مجموعه مقالات)، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۷.
- (۴) آلموند، گابریل، و سیدنی وربا، فرهنگ مدنی، روم، نشر سیج وارز، ۱۹۶۳ م.
- (۵) بشیریه، حسین، جامعه‌شناسی سیاسی، تهران، نشر نی، ۱۳۸۴.
- (۶) جوان آراسته، حسین، حقوق اجتماعی و سیاسی در اسلام، قم، نشر معارف، ۱۳۸۷.
- (۷) حاجی صادقی، عبدالله، فلسفه و نظام سیاسی در اسلام، قم، نشر زمزم هدایت، ۱۳۸۳.
- (۸) دو ورژه، موریس، جامعه‌شناسی سیاسی، ترجمه: ابوالفضل قاضی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۶۹.
- (۹) سجادی، عبد القیوم، مبانی تحزب در اندیشه سیاسی اسلام، قم، نشر بوستان کتاب، ۱۳۸۲.
- (۱۰) سید محمدباقر صدر، خلافت انسان و گواهی انبیا، ترجمه دکتر جمال موسوی، انتشارات روزبه: ۱۳۵۹.
- (۱۱) طباطبایی، محمدحسین، تفسیر المیزان، قم، جامعه مدرسین، ۱۳۷۸.
- (۱۲) فرائدی، خلیل ابن احمد العین، مؤسسه دار الهجرة • قم، ۱۴۰۹ ق.
- (۱۳) فیرحی، داود، مقاله مفهوم مشارکت سیاسی، فصلنامه علوم سیاسی، ش ۱: تابستان ۱۳۷۷، صص ۳۸-۳۹.
- (۱۴) قمی، محمد مومن، الولاية الالهيه الاسلاميه، او، الحکومه الاسلاميه زمن حضور المعصوم و زمن الغيبه، نشر جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۸۶.
- (۱۵) کارخانه‌ای، بهرام، تحلیل رفتار متقابل، تهران، نشر شهراب، ۱۳۸۵.
- (۱۶) کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تصحیح علی‌اکبر غفاری، تهران، نشر دارالکتب الاسلامیه، چاپ پنجم، ۱۳۶۳.
- (۱۷) مبلغ، حفیظ الله، شاخص تنوع و پویایی سیاسی در الگوی پیشرفت اسلامی، قم، مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی، ۱۳۹۴.
- (۱۸) مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، چاپ چهارم، تهران، انتشارات اسلامی، ۱۳۸۶.
- (۱۹) مصباح یزدی، محمدتقی، پرسش‌ها و پاسخ‌ها: ولایت‌فقیه و خبرگان، قم، نشر مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۷۹.
- (۲۰) ورام بن ابی فراس، ابوالحسین مسعود بن عیسی، مجموعه ورام، تهران، نشر مرکز فرهنگی انتشاراتی رایحه، ۱۱۶۸ ق.
- (۲۱) هانتینگتون، ساموئل، سامان سیاسی در کشورهای در حال دگرگونی، ترجمه: محسن ثلاثی، انتشارات علم، چاپ پنجم، ۱۳۹۲.

۲۲) هنری لطیف پور، یدالله، فرهنگ سیاسی شیعه و انقلاب اسلامی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۹.

23) Andrew Heywood; Politics, op. cit., p. 244.

A. Campbell, P. Converse, W. E. Miller and D. Stokes; The American Voter, op. cit

24) Chalmers. Johnson: Revolution and the social system, Stanford, 1966, p.6.

25) see: David I.sills and Robert merton, International Encyclopedia of the social Sciences, 1994, P252.

26) Lester W.Milbrath , Political Participation , Rand Mc. Nally College Publishing Company , , 1977 .P . 2.3.